پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (نهم) دو شنبه ۱۶ ثور ۱۳۴۷ ه ـ ۶ می ۱۹۶۸ ع

قطعنامهٔ تظاهرات روز اول می در کابل

پښتو متن :

دمی لومړی ورځ، دکار ګرا ټولنیز اولملی ورځ، دلومړی ځل لپاره دهیواد په سیاسی تا ریخ کی،دافغا نستان وخلك دمو کراتیك فرونټو په‌ابتکار په سترو اودونو تظاهراتو ولمانځل شوه . دهیواد قهر مانو کار ګرانو ، محصلا نو ، مترقی مئوریتو اود کابل زیاتو بنار یانو یدی نظا هراتو کی ګډون وکړ . هغه کلی نتایج چه لاهدی ویناوو له‌لاس ته راغلل به لاندنی‌ډول دی :

۱ـ ددی لپاره چه دمی لومړی ورځ به‌افغا نستان کی دکار ګرو د ورځی به‌حیث ویښ ټو ل ټی اوعمومی تعطیل اعلان اوهغی لمانځنه وشی اوکار ګری اتحادیی میتنځ ټه رانی ، دوام داره مبارزی بهوښی.

۲ـ دافغا نستان خلك په کلکه‌تصمیم‌ړی چه داستبداد، د تجاو، داستعمار اداری دشپږو او د خلکودښمنانو فیودا لیزم او امپریالیزم پرضد خپلی زړوړی مبارزی چا ړی‌وساتی

۳ـدافغا نستان دکار ګرو خوانانه‌اودمقاطعی ټول ګډیون کوونکی دویښتو په‌قهر مانو خلکو باندی‌دامریکی دامپر یالیزم جنایتکارانه‌ټیری محکو مول .

۴ـخلك دژلمی کار ګرو ساکرم (کادګر)دغیر قانونی تو قیف پرضد کلك اعتراض کوی اودډی آ ګاه‌کار ګر دستمدستی خوښی کیږو غوښتنه کوی ..

متن دری :

«روز اول می ، روز بین المللی کار گران برای اولین‌بار در تاریخ مبارزات سیاسی کشور به‌ابتکار نیروهای پیشرو و دو کرا تیك خلق افغانستان با تظاهرات عظیم و پرشکوه تجلیل شد . کار گران قهرمان کشور ، محصلان ، روشنفکران مترقی وعده ٔ کثیری از شهر یان کابل در این تظاهرات اشتراك کردند. نتایج کلی که ازین سخنرا نیها بدست آمد قرار ذیل است :

۱ـ برای آنکه روز اول ماه مبی‌یحیث روز کار گر در افغانستا ن شناخته و تعطیل عمومی اعلان گردد،نیروهای دموکراتی‌تجلیل به عمل‌آید واتحادیه ـ های کار گری‌تشکیل شود، مبارزات پیگیر صورت خواهد گرفت .

۲ـ مردم افغا نستان جدا مصمم‌استند تا علیه استبداد ، ارتجاع ، شیوه ٔ ادارهٔ استعماری ، فیودالیزم وامپریالیزم دشمنان خلق مبارز ٔ ه دلیرانه خود را دوام دهند .

۳ـطبقه‌جوان‌کار گرافغا نستان‌روحیه‌اشتراك کنندگان مقا هره تجا وز جنایتکارانه امپر یالیزم امریکا دراویتنام محکوم میدانا یند .

۴ـمردم جدا علیه تو قیف غیرقانونی کار گر جوان اکرم(کار گر) اعتراض ورعنائی‌فوری این‌کار گر آگاه‌را خواستار اند.

بیرك (کاوه‌ل)

طبقات و مبارزه طبقاتی

تنها بر پایه‌تئوری‌مبارزهٔ طبقاتی ممکن است سرچشمه محرکات پنها ن تمام حوادث وتغییرات مهمی‌را که دربك جامعهٔ مبنی بر استثمار ر خ میدهد توضیح کرد .

این تئوری برای مبارزه رهایی‌بخش طبقه‌کار گر وبرای اتخاذ تکتیك‌های درست آنها اساس‌علمی‌را تهیه می بیند . بر مبنای این طبقه‌ی علمی باید دید که طبقات ومبارزه طبقاتی چیست ؟ به این پر سش پیش از یك صد فر شتوری پیشرو و باید بالو ژی طبقهٔ کار گر میتوانند جواب علمی بدهد .

مسلم است که «خلق وتوده های زحمتکش نیروی عمده وتعیین‌کننده استند که‌یکی از آنها میتواند بعلت مقامی‌که‌در جوامع طبقاتی ازدانستمندان دارای موقف‌اجتماعی یکسان نیستند بلکه به‌طبقات‌معین وکروه هاوقشر های اجتماعی مختلف تعلق دارند . قبل‌از پیدا بش تئوری علمی‌طبقات ومبارزه طبقاتی عده‌ای ازدانشمندان جهان به‌تقسیم‌مردم به‌طبقات ومبارزه طبقات در جامعه علل مادی داشتند ولی این دانشمندان‌در تحلیل زندگی اجتماعی از افکار غیر علمی تبعیت میکر دند ونمیتوا نستند و یا نمیخواستند اساس‌عینی‌تقسیم جامعه رابه طبقات درك کنند .حتی محافل از تجاعی کشور ما در زمینه آیین شیوهٔ تحلیل تادرست پیروی میکنند وبا زرنگی‌خاصی‌از مواضع ستمگرانه خویش دفاع می‌نمایند. ایدیالوگ‌ها های کهنه برسرنمیتوانند درك کنند که‌باید اساس تقسیم طبقاتی جامعه را درمحیط تولید مادی جستجو کرد نه‌در مسایل روا نی . شعوری ، درجه عاید ، رفا هیت ما دی ... وغیره

جامع ترین تعریف علمی طبقات این‌است : «طبقات، کروه های بزرگ مردم‌استند که‌ازمقام خویش‌درسیستم تولید اجتماعی‌که‌از نظر تاریخی‌معین است، از جهت ما نسبات خود(به شکل قسمت زیادآن‌درقوانین‌قوه لیننده ونثبیت شده) باو سایل تولید، از لحاظ نقش خود در سازمان کار و بنا بر ین ازجهت شیوه در یافت اندازه آن سهم از ثروت اجتماعی‌که دارند در اختیار میگیرند از یکدیگر تفریق میکردند .

طبقات آنچنان کروه هایی‌ازمردم استند که‌یکی از آنها میتواند بعلت مقامی‌که‌در شیوه معین اقتصاد اجتماعی دارد کار کروه دیگری را بخود اختصاص دهد .

از تعریف علمی طبقات میکردد که هیچکونه تلقیات غیر علمی و«طبیعت انسان »طوریکه طبقات استثمار کر و نمایند کان فکری آنها، ادعا میکنند باعث تقسیم طبقا ت نیست بلکه عضویت در یك طبقه خاص است که تسلط ومقام‌ممتاز بعضی‌را‌ومحکومیت، فقر وفقدان حقوق وآ زادی دیگران رابار میاورد .

بعباره دیگر برای تشخیص علمی طبقات باید دیدکه کدام یك ازکروه های انسا نها صاحب وسایل تولید (زمین، ماشین ... وغیره) اندوکدام از کروه ها ی مردم طبقه استثمار شونده وتحت ستم وبدون وسایل تولید استند، یعنی علاقات عمده همان رابطه با وسایل تولید است

واز این رابطه است که مقام ونقش طبقات در تولید اجتماعی وضعیتش وتجزیه وبخای آن صورت بندی‌جامعه واستثمار سیستم‌کمون اولیه‌متلاشی واستثمار شونده‌در سیستم کمونـ ـ بردکی پدید آمد ونضاد طبقا تی اولیه وجود نداشت . زیرا درآنزمان سر چشمه مبارزه بی رحمانه طبقاتی سطح تولیدآنقدر نازل بودکه صرف قرار میگرفت . مبارزه طبقات متخاصم حداقل نعمه‌ای را برای عضو جامعه در طول صد ها سال بصورت یکپارچ تامین میکرد تاز کرسنکی نمیرد . مهمترین حصو صیات تکامل جوامع به همین جهت هر کونه تراکم بشری طاهربندیوبا نقلابهای بزرك اجتماعی اجمایید ونظا مهای کهن مالکیت خصوصی وطبقات واستثمار اجتماعی جیرآیای خودرا به‌نظامهای امکان نداشت . ولی بسرور زمان نوین ومترقی وا کذاشت وبرخی از وتدریج بنابرمبارزات وتجربه انسانها طبقات بیروز شدند وبعضی نابود وتغییرورد افزار تولید، حاصل دهی کردیدند .

کاربالارفت‌وعده‌ای قادر بدان شدند تا که بیش از احتیاج ومصرف خویش تولید کنند ودر نتیجه امکان تجمع ثرو تهای‌مادی‌وتملك‌بر وسایل‌تولید پدید آمد . بدین ترتیب مالکیت خصوصی ایجاد کردید وهمکاری ساده، تولید وکار جمعیا تعاو نی، دهقان و مالك ار ضی ، استاد مالکیت مشترك‌وسایل تولید وتوزیع صنعتکر وشا کرد ، کارکر ومزمایه مساوی محصول ات همه بتدریجهای دارپا بطور خلاصه دربین ستمکر ان خودرا به‌تقسیم‌کار اجتماعی ومبادله سپرد .

سپس به تناسب تکامل مالکیت خصوصی وتلاشی سیستم کمون‌اولیه نیا پدیدار کردید که‌همیشه بانفییر ات بنیادی وکیفی، تمام‌بنای جامعه‌پایان پذیرفته است وسیر انجام منجر به نشستن جامعه نوین برجای جامعه کهن کردیده ومیکردد .

مبارزه طبقات متخاصم آشتی ناپذیر است . زیرا‌این‌مبارزه از تضاد عمیق شرایط زندکی اقتصادی وسیاسی ، از هدفها ووظایف طبقات درجامعه منشاء میکیرد که وسیله حل آنها صرف از طریق بروز تحول عمیق‌در حیات اجتماعی یعنی تغییرات سریع کیفی وبنیادی‌وا ستقرار نظام مترقی نوین امکان پذیر است . قرنهاست کهزحمتکشان اعمزازبردکان ،دهقانان وکار کران از طرف طبقات حاکمه بطور وحشیانه مورد استثمار قرار کرفته‌اند . لذا مبارزه رهایی بخش این طبقات زحمتکش درسیر تاریخ برای شکستاندن‌زنجیرهای اسارت، برای تحقق آزادی برابری اجتماعی‌واز کلیه اشکال‌ستمکری واستثمارورسـ ـ انجام برای ایجاد یك زنـدکی آزاد وسعا دتمند‌کاملا طبیعی وطبق‌قانون تکامل بوده واست .

(ص۴)

خبریال برچم

تظاهرات روز اول ماه می در کابل

اول ماهمی، روز همبستکی خلق کارکر جهـا ن با شـکوه و عظمت خاصی در سرتاسر جهان تجلیل میشود. غریو لرزاننده زحمت‌کشان ویښتهٔ بیش آن‌طبقهٔ دوراسار کارکر باطنین شور انکیز خو یش فضای کشور های مختلف کیتی رابه لرزه درمی آورد وباین وسیله توجه‌عمیق جهانیان را به حقیقت بیشتا هنکـی وزهبری طبقهٔ کـار کـر ومبارزات قهرمانانه و درخشان‌آن، علیه بیداد سرمایه وستم ارتجاع وامپر یالیزم ودفاع‌ازصلح، دیموکراسی... جلب میکند

در کشـور ما کـه نظام فرتوت فئو دا لی واستبداد طبقات حاکمهٔ وابسته به ارتجاع جهانی، بخاطـر حفظ وبقای مصالح طبقاتی خویش، به کوچکترین حرکتی در جهت دفاع از ابتدائی‌ترین حقوق وآزادیها ی طبقات زحمت کش اجـازه تبـارز نمی دهند، ولی به قیمت نیروی کار وعر ق جبـین اکثـریت محروم و ستمکشیدهٔ جامعه، سالی چند بـن باربه‌عنوانهای مختلف، حتی بخا طر کل‌روی اطفال نازپرور دهٔ خو یش جشنها واعیاد تولدی وغیره، بـطرز خیره کننده ئی ایجاد می نما یند، از این روزهای بزرك وتاریخی خبری نیست !

چرا ؟...

برای اینکه‌طبقات حاکمه ارتجاعی کشور از مبارزه طبقات زحمتکش مخصوصا طبقهٔ کارکر که‌ازدشمنترد بحاصل رنج‌و زحمت آنان صاحب اینهمه جاه‌وجلال ومالك اینهمه‌زمین وسرمایه شده‌اند، در هراسند . آنها میترسند که اکر توده هـای استثمارزده‌به حقوق ونیروی‌خویش آکاهی ویابن حقیقت عمده ٔ دست یابند که اینهمه مظاهر عالی ز ندکی

(ص۳)

س. (کشتمند)

بسط و توسعهٔ تجارت بارتری به نفع رشد اقتصاد ملی ما ست

دردو شماره گذشته پرچم تحت عنوان «سیاست درهای باز» مطالبی تقدیم ونشان داده شد که تعقیب وادامه سیاست واردات‌دردر های بازوتجارت مبتنی بر مبادله آزاد نه تنها نمیتواند باسختگری خواست‌ومنافع مردم باشد بلکه برعکس‌چنین‌سیاستی، ناامنتری اقتصادی مارابیشتر‌مبسازد ومو جب تقویه فشر تاجر دلال وکمپرا دور بشابه دشمن منافع وعصا لی خلقها در کنار ملاکین فیودال ومتحدطبیعی امپر یالیسم وتجار وتبا یندگی هست. انحصا رات امپر یالیستی عمدتا در تجارت خارجی‌پالیسی‌ها تعقیب گر دد که دراه رشد اقتصادی کشور کمک کند ویر طبق منافع مردم باشد که تجارت بارتری دارای چنین خصوصیتی است.

تجارت بارتری (تجارت‌باکشورهای سوسیالیستی درافغا نستان به‌این عنوان مصطلح گردیده‌است) بهترین شکل مبادله اموال‌برای افغا نستان محسوب‌میگردد،زیرا این نوع تجارت برطبق پروتوکو لهای اموال‌ونادیات متعقده برای‌مرسال‌صورت میگیرد، بدینطر یق بازار مطمئن برای‌اموال مرسومی‌ما فراهم میگردد وازخروج مقدار زیاد اسعار خارجی و ر و د و اموال‌غیر ضروری جلوگیری‌میشود. در تجارت بار تری ارزش امـوال صادراتی وواردا تی بطور کلی‌متعادل میگردد ومسا له کسر بیلانس‌تجارتی باکشور های شامل این حوزه‌موضوع بحث نمیباشد. در تجارت بارتری تسهیلات لازم برای حمل وانتقا ل اموال تامین‌میشودو نزدیکی افغانستان به‌کشور های‌شامل این حوزه‌تجارتی بخصوص اتحاد شور وی وهم چـو تسریع درتحو یلدهی اموال ودرنتیجه موجب دوران‌بیشتر اموال وسر ما یه میشود . سیستم موجوده بر اجت کشور های شامل حوزه بار تری تجارت دراین امر کمک می‌کند چه قیمت‌اموال بلافاصله پس از ارسال صادرات می گردد ، در حالیکه درحوزه «آزاد» تجارتی قیمت کامل اموال‌پس از فروش‌آن پرداخته می‌شود‌وطبیعی است که‌درپرتوتفاوت‌های‌تادیه صورت می‌گیرد . علاوتادر معا ملات تجار تی با حوزه بار تری قیمت محصول تا اساسی درصادراتی مطابق به‌قیمت هـای پیش بینی شده‌در پرو تو کول های تجارتی درتمام‌مدت قرار داد ،تادیه می گردد . درحالیکه قیمت فروش اموال مادر بازار های غربی ثابت نبوده وتابـع عـرضه وتقا ضاست ومثال عمده آن‌نوسحات نرخ ونقا ط دلریالم های فروقـل می باشد . بدین جهت است که‌تجار صادر کننده‌ترجیح میدهند که‌اجناسی را صادر کنند که‌ازارقیمـل بخته، پشم ، میوه های‌خشک‌وغیره به‌این کشورها صادر نمایند .

از اینکشور ها بخصوص اتحاد ـ شوروی اموالیکه وارد میشود اولا بطور عمده سامان ، ماشین الات و تجهیزات صنعتی وزراعتی است که اهمیت تولیدی دارند وسهم نسبی آنهـا در تجارت بیـن دوکشور از یکسال تا سال دیگر افزایش می‌یابد وبعد اجناس مورد احتیاج عـامه و ضروری مانند قند وشکر، کوکرد ، روغنیات ، بطرول ، کاغذ واجناس مصرفی دیگر که از یکطرف بـرای تولید صنعتی وزراعتی مملکت لازم است و در امر تسر یع آهنگ‌رشد وترقی کشور نقش مؤثری داشته‌وبه پیشرفت فنی آن کمک می‌کند واز جانب دیگرآن اموالی است که اصلا در داخل کشور تولید نمیشود ویـا تولیدش محدود است . بهاین‌حقیقت روشن محقق‌واشنا صیکه به‌توسعه این نوع مبادله جو شبینی و صداقت هم‌نداریم‌زیرا‌ن‌دورست عمل‌نمی‌نمایند اما معترف استند. در فصل تجا رت وپیلانس تادیات کتاب‌هم‌بوط به‌پیش بینی های پلان سوم گفته‌می‌شود : «در مورد اموال کثیر المصرف کـه امکانات تو لیدات داخلی آن موجود نمیشود در جریان پلان سوم‌تادیز موثر بغرض رفع قلت همچو مـواد ضرور‌میگیرد، چنانچه درزین‌موضوع به تجارت بار تری و حو زهٔ هائیکه تحت کنترول است . قرار دادها و موافقات سالانه حق‌اولیت داده شده» طبیعی است‌که فوایدتجارت بارتری از نظرکسی پوشیده ماند نه نمیتواند نظر به تمایلیکه جهت صادرات بـه حوزه بار تری از طرف تجار صادر کننده وجودداردو ضرورت‌جبری‌ایکه به اموال وارداتی ازین کشور هـا محسوس است درپرتو کول مبادله اموال‌وتادیات متعقده باتحاد شوروی برای سال ۱۹۶۸ بـرطبق اظهـار رئیس‌هیئت افغانی که‌برای‌این‌منظور به آنکشور رفته بود «درحجم‌تجارت باتحاد شوروی‌درسال ۱۹۶۸ نسبت به سال های قبلی افزایش قابـل ملاحظه بعمل آمده است» .

باوجود اینکه بر اساس تجارت بارتری ارزش اموال صادر اتی وواردا تی بایدمعادل باشدها دا درعمل غالبا صا درات افغا نستان به‌کشور های شامل حوزه تجارت بار تری بیشتر از واردات آن ازین کشورها میباشد مثلا صا درات افغا نستان به اتحاد شوروی در سال ۱۳۴۰ تا بیشترت پلان دو پیچه بیشتر ازواردات بوده است، یعنی رقم۱۲۸ میلیون افغانی صادرات در برابر ۱۱۲۵ ملیون افغانی واردات (نرخ تسعیر ۵۵افغانی فی دالر) مشیخ کتاب اقتصادی برای سال ۱۳۴۵ ،

دراینصورت اموال صادراتی به کشورهای حوزه بار تری ، تقریبا کلیه امـوال صادراتی افغا نستان‌ملاحظه میرسد وحتی اموال صنعتی افغا نستان را بعضی ازین ممالک خریداری‌میتمایند مثلا درچند سال اخیر یکمقدار کافی میوه های کـانزرد شده محصول فابریکه کانزر وسازی وخفظ میوه قند هار ، به‌اتحاد شوروی صا در میگردید .

همچنین بمو جب قرار دادیکـه موجود است اتحاد شوروی حاضر گردیده که کود کیمیاوی ما زاد از مصرف داخلی محصول فا بریکه‌کود مصنوعی مزار شریف رابـرای آزادکه فابریکه به تولید آغاز نمایدبرداری یکند، صدور گاز به اتحاد شوروی بقیمت های خیلی مساعد، در تجارت خارجی افغا نستان مقام برجسـته ومهمی را احراز میکند که در یکی دو سال دیگر اولین قلم عمده‌تجارتی مارا تشکیل خواهد داد .

از آنجه دربالا گفته شد میتوان در یافت که‌بسط منا سبات تجارتی افغا نستان با کشور های شامـل حوزه تجارت بار تری مزایای انکار ناپذیر دارد وبنفع مردم وکشور ما است .

این منا سبات نه‌تنها موجب‌رونق وتحکیم اقتصاد ملی افغا نستان میشود بلکه امکان مقاومت در برابر سیاست غار تگرانه امپر یالیستی رابوجود میآورد.

اگراز امکا نات موجود برای‌بسط بازهم بیشتر این روابط که‌براساس حقوق‌متساوی‌ومنافع متقابل صورت میگیرد ، استفاده کامل بعمل نیاید علت آنرا بایـد نـزد کشور های امپر یالیستی وتجار بـزرگ دلال وابسته تا نها جستجو کر د که از سیاست راه های باز مفعت میبرند وتوسعه روابط تجارتی نوع‌بار تری را به زیان خود مبدا نند .

اکنون تجار کمپرا دور نه فقط بانفوذ تجارت وسر مایه خصو صی خارجی در اقتصاد کشور مخالفت نمیکنند، بلکه‌باتمام قوا بسط آنـرا خوا ستارند . نهمین جهت درعوام تجار بخش خلقهای افغا نستان ، درعوام دوم‌گرائیک‌حلق گفته‌میشود: «یکی‌از عو امـل ضعف اقتصا دی مملکت و نفوذ ا ستعمار جد یـد وامپر یالیستی ایستت (که قسمت بیشتر) تجارت خارجی ما در دست عده محدودی از نمایند گان‌کمپنی‌ـ واردکننده‌ودرنتیجه‌موجب‌اسراف ، فرار سر مایه واسعار مملکت میگردد وهم بفشار صنایع ملی واستحکام استقلال اقتصادی لطمه سنگین‌وارد میسازد .»

بدیهی است‌که هر فرد وطنپرست وصدیق بصحا لح حق‌ق اقتصا دی کشور خود احساس مسئولیت دارد وباید قدمه بقدمه‌کشور به‌این عقیده است که عاجلا باید کنترول کامـل بر تجارت خارجی برقرار گـردد ، دست‌تجارو نمایندگی های‌انحصارات خارجی در امور تجارتی گرفته شود ومحیط جهت تجار دلال وکمپرا دور شدیدا محدود گردد وبالنا تیجه شرایط سرمایه کمپرا دوری که درصدد‌بسط نفوذ خود در اقتصاد کشور است و بامساعی قشرهای بـالایـی طبقات بورژوا تقویت میگردد ، مخالفت مؤثر صورت گیرد وهرچـه بیشتر روابط تجارتی باکشور های داخل حوزه بارتری بسط وتوسعه‌داده شود وازمزایای سیستم تجارت بارتری برای پیشرفت‌اقتصاد کشور‌استفاده صحیح بعمل آید . البته در تحلیل آخری تا عنگا میکه تجارت خارجی کاملا ملی نگردیده وبدست دولت متمر کز نشود ، نمیتوان بهبـو دی واقعی را در تجارت خارجی انتظـار داشت واین‌امرعنگامی‌تحقق‌پذیرفته میتواند که درین مرحله تاریخی یك حکومت دموکراتیک‌وملی‌که‌نمایندگی از منافـع ومصالـح طبقـهای کشور میناید بوجود آید گردد .

برخی از لغات و اصطلاحات

سیاسی واقتصادی

پښتو:

عینی (ایژکتیف) : عبارت است ازآنچه که درخارج از ذهن ومستقل از شعور انسان وجود دارد .

مالکانه بېره (دفئودال دانت) : لهعینی خبکی نه چه دیر کر دزا لند کارتنیچه‌ده، دخکی ممالک‌به‌وسیله دیسری غصبیدل. ما لکانه بهره یا بیگار به نو کر .اویا دجنسی اوتقدی بهره‌یی نه تو که وی .

ارضی مسا له : دیزکر اود خیکی دما لکیت او به زراعت کی د تولیدی ماسیناتو او به کلی کی د طبقا تی مبارزو او د وضع د هقانانو د مالکیت زمین ومناسبات تولیدی در زراعت ومبارزات طبقاتی در ده .

حل مسا له ارضی از طریق اصلاحات‌دموکراتیك واساسی‌ارضی، صورت میگیرد .

ترقی (پیشرفت) : بسط وتوسعه از ساده به پیچیده و اوازادنیه عالی جامعه بشری بطور کلی علی رغمم برخی در جـات آنهـا وجنبش های قهقرائی، جاده ترقی را سیر کرده است .

دگم : احکامیکه بصورت تعبدی وغیر نقادانه بدون در نظر گرفتن تغییرشرایط ومحاسبه‌قوا، واز‌اندیشه عالی دانسته میشود. احکام جزمی‌یااحکام غیر قابل تغییر، جزمیات .

دگماتیسم (شیوه ء جزمی) : انطباق احکام بدون برخورد نقادانه بدانها وبدون محاسبه شرایط واحوال .

عوامفر یبی (مـر د م فـر یبی ـ دماگوژی) : اغواء خلق از طریق دادن وعده هـا و شعار هـا ی فریبنده. عوامفریبی یکی از شیوه های‌اساسی سیاست سرمایه داری است .

عوام فریبی (یادخلکو تیر ایسئل دماگوژی) : د غو لوونکو وعدو او شعارونه له لاری دخلکوتیر ایستل.

ماجراجویی (او انتریزم) : دقوت او واقعی شرا ئطو له محا سبې نه پر نه‌بی اسا سه عمل نه توسیل‌کول. داسی عمل چه‌سرانجام به ماتیدلو محکوم د ی .

پراتیك (عمل) : د اجتما ع دژوند دضرو ری شرا ئطو د هستو لو له پاره دانسا ن فعا لیت . د یرا تیك عمله شکلو نه عبارت دی له تو لید، طبقاتی مبا رز ی او علمی خبر نی له.

دری :

عینی (ابژکتیف) : عبارت است ازآنچه که درخارج از ذهن ومستقل از شعور انسان وجود دارد .

بېره ورکوونکی (دفئودال دانت) : لهعینی خبکی نه چه دیر کر دزا لند کارتنیچه‌ده، دخکی ممالک‌به‌وسیله دیسری غصبیدل. ما لکانه بهره یا بیگار به نو کر .اویا دجنسی اوتقدی بهره‌یی نه تو که وی .

ارضی مسا له : مجموع مسایـل مربوط به وضع د هقانان و مالکیت زمین ومناسبات تولیدی در زراعت ومبارزات طبقاتی در ده .

حل مسا له ارضی از طریق اصلاحات‌دموکراتیك واساسی‌ارضی، صورت میگیرد .

ترقی (پیشرفت) : بسط وتوسعه از ساده به پیچیده و از ادنیه به عالی جامعه بشری بطور کلی علی رغـم برخی در جـات آنهـا وجنبش های قهقرائی، جاده ترقی را سیر کرده است .

دگم : احکامیکه بصورت تعبدی وغیر نقادانه بدون در نظر گرفتن تغییرشرایط ومحاسبه‌قوا، واز‌اندیشه عالی دانسته میشود. احکام جزمی‌یااحکام غیر قابل تغییر، جزمیات .

دگماتیسم (شیوه ء جزمی) : انطباق احکام بدون برخورد نقادانه بدانها وبدون محاسبه شرایط واحوال .

عوامفر یبی (مـر د م فـر یبی ـ دماگوژی) : اغواء خلق از طریق دادن وعده هـا و شعار هـا ی فریبنده. عوامفریبی یکی از شیوه های‌اساسی سیاست سرمایه داری است .

ماجراجویی (او انتریزم) : توسل به عمل بی‌اساس وبدون محاسبـه قوه وشرایط واقعی. عملیکه سرانجام محکوم به شکست است .

پراتیك (عمل) : فعالیـت انسان برای ایجا د شرایط ضروری حیات اجتماع. اشکال عمده پراتیك‌عبارتنه از تولیـد ، مبارزه طبقاتی و تحقیق علمی .

جولیوس فوچیک

ترجمه از م. «بری»

گوستافو چیکوا

جولیوس دو چیك فرزند فهر مان‌خلق‌چکو سلواکیا ومبارز سرسپرده‌راه صلح ودنیای نوگه‌سراسر‌زندگی‌در خشانش مشحون از جـانبازیها ووطن پرستی‌های پر افتخار است ،در سالهای جنگ دوم جهانی تو سطنا‌زیگران فاشیستی بعد از شکنجه‌های تحمل نا‌پذیر ووحشیانه، محکوم به‌اعدام‌شد. ولی دردوران که پاشنه‌سیـاه فاشیستهـای آلمـا ن ملت‌چکوسلواکیا وسـراسر اروپا راباوحشت می کوبید و «دنیت بشری‌را به‌غارت وتبا هی می‌کشید، دیزنداان،دتیره‌ترین‌روز های زندگی، دزیرچوبهٔ دار» را نوشت. این کتاب که حماسهٔ جاویدان زندگی انقلابی‌جولیوس فوچیك در مسیر مخاطرات‌وخشونتهای سر سخت مبارزه است،ازپنجره‌ئ‌زندان‌تا‌آخرین‌سنگرهای رزم و نبـرد ملت ها وبنای دنیای‌نوین، بخش گردید. این کتاب‌به‌کثرت‌بانهای دنیا ترجمه وصد ها بار به‌چاپ رسیده است .

کتاب «در زیر چوبهٔ دار» که هنوزالهام‌بخش‌مدافعان دلیروزرز مند گان‌راه رهائی‌بشریت‌است،نمونه شهامت‌وتحمل یك مبارز واقعـی را درذهن ما بیدار می سازدودر پیکار‌زندگی، مبارزان را نیرو می بخشدتادر نبرد سر نوشت بی امان به پیش‌روند .

داستانی که درین جا تقدیم‌میشود قسمتی‌ازکتاب خاطرات‌گوستافوچیکوا‌رفیق همرزم وهمسر باوفای‌جولیوس‌فو چیك است .

ناوقت به خانه بر گشتم ، میـل شدید به خواب درآن نیمه شب مرا در خود می پیچاند که ناگهان صدای زنگها دوباره مرا بیدار سـاخت. از بستر بیرون پریدم. صـدای شدید ضربان قلبم را احساس میکردم .

سعی نمودم قلبم را آرام ساخته و بخود بگویم: خواب دیده ام، مگـر وقتی چشمانم‌را کشودم صدای‌زنگها دوباره بگو شم رسید.

آنهایی که بانازیها در نبرد بودند صد ها بار طنین این زنگها رانشنیده وباصدای آن آشنایی کا مل‌داشتند.

نخستین چیزیکه در ذهنـم خطور کرد این بود که گشتا‌بودن جستجوی جلیوس است. از بستر بیرون شدم وبطرف اتاق تاریك قدم بر داشتم. ناگهان پایم به زمین میخکوب شد . بخود گفتم: «در را نخواهم گشود». دوباره بسوی بستـرم بـر گشتم و لحاف را طوری بسرم‌کشیدم که دگر صدای سنگین زنگها را نشنوم .

چه خوشبختی که جولیوس‌در آنشب خانه نبود! چه خوشبختی که بوزیـ کاپورورا در آنشب با من‌نبا شید ... تمام اشیای‌خانه‌را از نظرم‌گذشتاندم آیا چیـزی (غیـر قانونـی) و جود نداشت؟ فقط یك شمارهٔ ماه اپـریل (روزی پراوو) ویك‌جلد از انتشارات مخفی «تاریخ حزب ...»،در خانهٔ ما وجود داشت، ولی گشتابو وقتی‌بارو

آنهارا نخواهد یافت .

زنگ پیوسته نواخته میشد. دوباره بر خاستم، پنجره ها کا ملا تاریـك بود، ولی جریان برق طوری اتصال داشت که باید اتاق روشن می بود. فورا دریافتم که «روزی‌پراوو» جریان برق را قطع کرده است. پـرده را کشیدم و پنجرهٔ مخفی را باز نمودم.

بعد طرف طاقچه خزیـدم وآهسته ذهنم‌را فارغ ساختم . خود را به آب گذر کشانده. وقتی‌به آنها(نازیها) میخواستند که سرهای پیرا مون خود نگریستم ، همه جارا شکسته وخم شده‌دارا درکنارجاده‌ها تاریکی‌شب فرا گرفته بود. خـوف مشاهده کنند. ولی من این هو س سقوط از ششمین منزل اپارتمان‌آنـا آنهارا باخاك یکسان خوا هم نمود . در ذهنم گذشت .

دوباره به اتاق بر گشتم ، قلبم رادیـو ایکـه امـواج مسکـو را بـا به زنگها جواب‌نخواهم‌داد، و همه مانند زنگ کلیسا می‌زد. مسالهٔ‌عمده میر ساند . چیز ختم نخواهد شد. ولی به زودی در نزد من این بود که آنهـا نبایـد

بخودگفتم: «شایدآنهابرونده‌پنجره‌ها رابستهم وبه‌پیرامون‌خانه‌نگاه میکردم، خانهٔ عشق ما... الهاری کتابهای‌کنار دیوار، میزیکه جولیوس‌بآن‌کارمیکرد وغیره بیاد آورم .

احکام بدون برخورد نقادانه بدانها وبدون محاسبه شرایط واحوال .

عوامفر یبی (مـر د م فـر یبی ـ دماگوژی) : اغواء خلق از طریق دادن وعده هـا و شعار هـا ی فریبنده. عوامفریبی یکی از شیوه های‌اساسی سیاست سرمایه داری است .

عوام فریبی (یادخلکو تیر ایسئل دماگوژی) : د غو لوونکو وعدو او شعارونه له لاری دخلکوتیر ایستل. عوام فریبی دسر مایه داری سیاست دی چه‌سرانجام به ماتیدلو محکوم د ی .

ماجراجویی (او انتریزم) : دقوت او واقعی شرا ئطو له محا سبې نه پر نه‌بی اسا سه عمل نه توسیل‌کول. داسی عمل چه‌سرانجام به ماتیدلو محکوم د ی .

پراتیك (عمل) : د اجتما ع دژوند دضرو ری شرا ئطو د هستو لو له پاره دانسا ن فعا لیت . د یرا تیك عمله شکلو نه عبارت دی له تو لید، طبقاتی مبا رز ی او علمی خبر نی له.

شرعی جوزجانی

نگاهی به زبان وادبیات خلقهای اوزبک و ترکمن

یادبخش دانشور السنه ترکی محمد سابر و «بابر نامه – دیوان» وجود آمد . آثار مربوط باین دوره قدیم در قرن نهای ۱۵ و ۱۶ میلادی . وسایر آثار نفیس او ، مخدوم قلی و فاصلهٔ بین قرن ۱۴ – ۱۷ دوره ای که طی آن فر هنگ واز جمله که حمایت ادبیات شعرا می پاروایی زبان و ادبیات خلق اوزبک شاهد پیشرفت وترقیات شگوفانی میگردد، ادبیات بدیعی در تکامل زبان اوزبکی نقش مهمی ایفا مینماید و آثار ارزشمند زنده ادبی و علمی مبدل میسازد. شاعر و متفکر بزرگ اوزبک علیشیر نوایی ۱۴۴۱ – ۱۵۰۱م، که یکی از شخصیت‌های بزرگ ادبی افغانستان وجهان محسوب میگردد ونام وآثار وی در پهلوی نام وآثار شاعران ونویسندگان بزرگی چون هومردانته شکسپیر، فردوسی، سعدی، بالزاك، یوشکین، ابن سینا ، ویکتور سخن سرایان بزرگ جاویدان خواهد بود، بحیث انسان‌دوستی بزرگ ، دانشمندی کبیر، سیاستمدار وزرزیده وهنرمندی چیره‌دست رهبری نهضت علمی وادبی وهنری قرن ۱۵ افغانستان را در هرات بدوش میگیرد وادبیات کلاسیك اوزبك را بصورت اساسی پایه گذاری میکند و چون استادی توانا ودانشمندی اسیکلوپیدست (دایرة‌المعا رفی) ، این زبان را بعالیترین مراحل تکا ملمیرساند وبا ۳۴ اثر علمی ، ادبی وتاریخی خویش چنانکه خود میگوید «حصار شکست نا پذیری برای این زبان بنا می نهد‌که برای‌همیشه از دستبرد زمان وحوادث روزگار در امان‌خواهد بود» . عشق‌ومحبت آنشین‌وصمیمانهٔ او بخلق وعلاقهٔ شدیدوی به تعمیم وانکشاف دانش وفرهنگ به وی حیثیت منادی وپیشاهنگ اندیشه‌ها ی‌های مترقی وبشر دوستانهٔ‌عصر وی را می بخشد .

علیشیر نوایی فساد و انحطاط محیط فیودالی عصر خودرا شجاعانه افشا کرد وارمانهای عامهٔ مردم را هنرمندانه انعکاس داد وعلیه بیداد و وستمگری، جنگ وستیزه وعدوان از انصاف وعدالت، چه در عمل وچه در نظر، مبارزات‌دلیرانه بعمل‌آورد‌وحتی دربن راه تکالیف طاقت فرسای‌تبعید وفشار های سیاسی وانواع تهدید وتخویف را نیز برخودهموارساخت. او در مقالت چهارم «حیرة الابرار» خود عیاشی وباده نوشی ارباب‌قدرت عصر خود را خشمگینانه بباد انتقاد میگیرد ، وبا کلماتی تند وآتشین پرده سالوس و ریا ازچهرهٔ آنان برمیدارد :

«قصر که بزم اندامهیا بو لیب
زینت فرد و ش معلی بو لیب
پرده لری رشته سی ایل چا نیدن
طول کشید ؟»

گفتم: «من زنگ را نشنیدم »
– «بی‌شعور مایمك ساعت تمام زنگ زدیم »
– «من خواب‌بودم، شماکی‌استید؟»
– بتو مربوط نیست .

آنها تمام قفسه های دیواری را کشودند، لباسهارا زیر ورو کردند واز چنگکها طوری می کشیدند که پاره میشد، بطرف‌الماری کتابهاحمله بردند وآنرا پائین انداختند، ورفهارا بررسی میکردند وکتابهارا به زمین میزدند، کتابهایی که مابه آخرین پولهای زندگی خود می خرید یم ، جولیوس باعشق خاصی آنهارا در آلماری ها چیده بود وارزش فراوان برایشان قایل‌بود. وقتی در سال ۱۹۳۹گروه فاشیست های آلمانی وطن مارا اشغال کردند، جو لیوس از دوری کتابها سخت رنج‌میکشید.

– «شوهرت کجاست » ؟
– «نمیدانم. من اوراندیده ام .»

(باقیدارد)

*آنها (نازیها) شاید ازمن بپرسند جولیوس کجاست؟به آنها جواب خواهم داد که در بارهٔ جو لیوس‌بعد از آخرین دیدار ما در بهار (۱۹۴۰)

دگر **چیزی نشنیده ام** *

آری ! اوبه این خانه‌بستگی دارد، وتا هنگا میکه من اطمینان دارم که او دو باره بر میگردد، چرا باین خانه وابسته نباشد .

چیزیکه مراتسکین میداد این بود که آنها تاکنون‌نتوانسته اندجولیوس را دستگیر کنند .

ناگهان احساس کردم کلیددرقفل در می چرخد ودروازه در حال باز شدن است. پا هایم بی اختیاربطرف دروازه کشیده شد ومن در را باز کردم .

دو گشتاپوی بر افروخته‌وخشمگین در برابر خانه نمایان شدند وسومی در کنار چپ آنها استاده بود. یکی از آنها بازبان (چکی) وحشیانه فریاد زد .

«زن! چرا باز کردن در اینقدر

شما ...

شما ای توده های غرق در مرداب
شما ای بر دگان بند در زندان
شما ای کشتگان ظلم انسانی
وشما ای رهروان راه آزادی
به پا خیزید ! . . .

*

طلسم شوم استعمار پوسیدست
سریر ظلم واستبداد لرزیدست
وفوج پرتوان راه آزادی
بسوی منزل مقصود جنبیدست

* * *

شما هم بگسلید زنجیر استعمار نگین را
شما هم بر کنید بنیاد استبداد دیرین‌را

داؤود (کاویان)

لعلی و شنگر فی اولوس قانیدن
خشتی‌نی مسجد بوزویان کیلتوروب
تاشنیی ایل مرفدیدن ایکتوروب»

ترجمه : «کاخی که محفل عیش و نوش در آن بر پا میکردند ، باخون خلق رنگ آمیزی کردیده و پرده‌های آنرا از رشتهٔ جان‌توده ها بافته‌اند. خشتهای این قصر را از دیوارمسجد کنده اند وسنگهای آنرا ازتربیت مردمان آورده اند . »

نوایی با آثار بزرگ خو یش‌زبان وادبیات اوزبکی را «از حیث شکل ومضمون» آنقدر غنا بخشید که فرنها برای خلق اوزبک حیثیت سرچشمه فیاض را خواهد دا شت. دلیل علاقه واحترام این خلق‌نسبت به نوایی این بس که تا کنو ن هـم برخی از پسران و دختران اوزبـك در گوشه وکنار کشور ما با خوا ندن دیوان وی در مدارس محلی سو اد فرا گرفته اند ... بدین تر تیب نوایی حیثیت استاد و پیشوای ادبی بزرگی را دارد که صدها شاگرد در دبستان ادبی خویش پرورده‌وتاکنون هم که ۵۲۶سال از تاریخ تولد وی میگذرد ، در قلب وروح ملیونها انسان جا دارد و آثار ش‌رو‌ز بر و ز اهمیت جها نیافته است. او در آغوش خود پرورده اند خیلی‌زیاد است که مجال بحث پیرامون تمـام آنان میسر نیست ومادر شماره های آینده راجـع به (ادبیات‌روائی) که بخش مهمی را در تـاریخ ادبیـات خلقهای اوزبـك و ترکمـن اشـغال مینماید ، بحث خو اهیم کرد .

لحظه‌ئی بادوستان

خواهر گرا می...محروم،ازنیجروز!
نامهٔ تکان دهندهٔ شما رسید. اینك آزادیدون تصرف نشر میبینانیم .

«به ادارهٔ محترم جریدهٔ برچم»

از آنجائیکه برچم یگانه جریدهٔ ملی وترجمان حقیقی وبا جرئت درد های تودهٔ عظیم وزنجیر خلق افغانستان است امید واریم با درك و احساس مسئولیت هایکه در مقابل هـمـطبقات درد رسیده ، محروم و رنجبر ما دارند . نباید از شعلهٔ کهاز سینهٔ یك دختر افغان زبانه کشیده وبروی صفحه کـاغـذ نـو شته خـود داری خواهند نمود .

اینست سر نوشت دختران افغان در عصر حاضر

گرچه در ماهیتی زندگی میکنم که در آن از نان نشاسی و لباس نشناسی سراغ نشده و پدرم واز لباس‌نشناسی و میرانی «دهقانی» را بـا کـمال خونسردی پیش می برد وعـوائـد روزانه اش ده افغانی پیش نیست ولـی با ایـن همه نا مـا عـدالـتی نتوانستم تا صنف ششم که سرحد نهائی تحصیل برای یك دختر شاید یکعده‌محدود بقسم‌کلای موردضرورت تنها در اینجا تعیین شده ، باشد موفقانه پیش بروم .

از اینکه یـك دختر بـا تحصیل ومیشود گوشزد وخاطرنشان‌میکنیم شش ساله در عصر امروزی آنهم با که ما هم مانند سایر دختران جهان وسائل وبسایط بس ابتدائی برای در راه تحقـق آرمانهای مـلـی و خود ، وطن وجامعـهٔ خـود مصدر دموکراتیك خلق با درك وتشخیص چگونه خدمتی خواهد شد که فضاوت درست شرایط پیارزه کرد .

دوست عزیز ما «بشر دوست» !

مضمون شما زیر عنوان «وظیفه ملی یك جوان، عمیقا درك شد . از لابلای آن تضاد های گـونـا گـو ن جامعهٔ ما تشخیص می کردد. آرزو مندیم که دو تـا دوش کـار کنـان جر یدهٔ برچم ، در راه حل اینهمه تضاد ها به مبارزهٔ پیگیر ، مـلـی ودموکراتیك ادامه دهید .

محترمه «نوریه» !

پیام تقاضای سایردوستان، اصطلاحات سیاسی ولغات برچم در ستون مربوط آن نشر می شود . برچم به نظرات و پیشنهاد هـا و انتقادات امـو لـی دو ستان خود پیوسته پاسخ مثبت خواهد داد.

*

نباغلـی س . پنجشیری از بلخمری :

تذکرات دو ستانه و ثمر بخش شیوهٔ دکتاتورانه ، خونخوارا نه و تصور نا شدنی ملا کین که یقین‌دارم برای‌همه‌جوانان‌مغیرقابل‌تحمل‌است وادارم ساخت تا بحیث خدمه درخانهٔ ملك صاحب مشغول خدمت باشم . وهم میتوان به حرئت ادعا وتـا بت کرد که نود و هشت فیصد دختران اینجا بر علاوهٔ آنکه از فیض علم و معارف بی بهره مانده اند قوانیـن

شما هم بگسلید زنجیر استعمار نگین را
شما هم بر کنید بنیاد استبـداد دیرین‌را

داؤود (کاویان)

لعلی و شنگر فی اولوس قانیدن
خشتی‌نی مسجد بوزویان کیلتوروب
تاشنیی ایل مرفدیدن ایکتوروب»

ترجمه : «کاخی که محفل عیش و نوش در آن بر پا میکردند ، باخون خلق رنگ آمیزی کردیده و پرده‌های آنرا از رشتهٔ جان‌توده ها بافته‌اند. خشتهای این قصر را از دیوارمسجد کنده اند وسنگهای آنرا ازتربیت مردمان آورده اند . »

نوایی با آثار بزرگ خو یش‌زبان وادبیات اوزبکی را «از حیث شکل ومضمون» آنقدر غنا بخشید که فرنها برای خلق اوزبک حیثیت سرچشمه فیاض را خواهد دا شت. دلیل علاقه واحترام این خلق‌نسبت به نوایی این بس که تا کنو ن هـم برخی از پسران و دختران اوزبـك در گوشه وکنار کشور ما با خوا ندن دیوان وی در مدارس محلی سو اد فرا گرفته اند ... بدین تر تیب نوایی حیثیت استاد و پیشوای ادبی بزرگی را دارد که صدها شاگرد در دبستان ادبی خویش پرورده‌وتاکنون هم که ۵۲۶سال از تاریخ تولد وی میگذرد ، در قلب وروح ملیونها انسان جا دارد و آثار ش‌رو‌ز بر و ز اهمیت جها نیافته است. او در آغوش خود پرورده اند خیلی‌زیاد است که مجال بحث پیرامون تمـام آنان میسر نیست ومادر شماره های آینده راجـع به (ادبیات‌روائی) که بخش مهمی را در تـاریخ ادبیـات خلقهای اوزبـك و ترکمـن اشـغال مینماید ، بحث خو اهیم کرد .

خواهر محروم شما،

برچم : به نمایندگـی جریـان دموکراتیك زنان افغانستان مرا تب تاثر عمیق خود را از سر گذشت این خواهر گرامی که گوشه‌ئی از زندگی زن را در افغانستان تشریح میکند، ابراز میدارد ومتعقد است:تا زنان ن کشور دو شادوش مردان درمبارزات دموکراتیك ضد فیودالی وارتجاع ع سهم نگیرند ، این ستمها بر ایشان همچنان ادامه خواهد داشت .

از «صفحه‌اول»

تظاهرات روز اول...

کارگری کشور زمزمه های‌پرحرارت مظاهره وتجلیل روز اول می بوجود آمد وکارگران کشور از محصلان و دیگر روشنفکران دعوت نمودند‌تا دربن روز، دوشادوش آنان‌درمظاهره اشتراك نمایند. این دعوت ازطرف محصلان‌وطن‌پرست‌بهنحوی‌وپولی‌ـ تحنیك باشور وشوق استقبال شد وشامگاه روزقبل‌ازاول‌می اجتماعاتی برگزار وفیصله بعمل‌آمد تافردا با تظاهرات منظمی این روز تاریخی تجلیل کردد .

سحر گاه روز اول می، نمود دیگری داشت. درسیمای رنجکشیدهٔ زحمتکشان چیز های تازه‌ئی خوانده می‌شد، چیزهائی شبیه به انعکاس امیدهای نو، امیدهای زندگی‌بخش، امیدهائی که برای‌آینده زیبا و وشکوفان، آیندهٔ مرفه ودوراز رنجها وستمهای طبقاتی زنده می شوند، وهدنیت باشکوه‌بشری تنها‌به‌نیروی بازو وقدرت اندیشهٔ ایشان بوجود آمده وفقط خود شان حق دارند آزان استفاده کنند، نه مشتی معدود مقتخوار وسر باز جامعه، دیگر نخواهند توا نست به استثمار بی رحمانه وتسلط جابرانهٔ خو یش ادامه دهند .

یادرك این حقایق نیرو هـای دموکراتیك خلق، باساس ما مو ریت تاریخی خویش واحساس ضرو رت به جلب توجه زحمتکشان کشور بخصوص طبقهٔ جوان کارگر به اهمیت وتجلیل روز تاریخی اول‌ماه می، در شماره هفتم برچم دعوت کرد تا«باغریو زنده باد طبقه‌جوان‌کارگر» وشعار های تازه‌ئی خوانده شد، که بیشتر آنها حول محور مبارزه برای دموکراسی، برای حقوق دمکراتیك زحمتکشان، برای حقوق ملی و تاریخی ما دور میزد .

در ساعت معین، ستونهای عظیم کارگران، محصلان و روشنفکران وطن‌پرست، با پرچمهای سرخ برافراشته و پدرم وطبقهٔ کارگر میهن ما، با شعار های انقلابی و دموکراتیك، با سرود های انترناسیونالی، با سرود های ملی، در حالیکه از هر طرف صدای کف زدن و هلهله جوانان از پولی‌تخنیك جان می گیرند وبال می گشایند .

نگاه‌های افسردهٔ جوانان کارگر به افق تازه‌ئی گشوده می شد، افقی‌که چون صفحهٔ جدیدی از تاریخ‌زندگی، هرلحظه بی‌قرارتر،روشنتر‌ورنگینتر می نما ید .

آری!.. این صبح روشن، آغاز درك جدیدی از یك زندگی نو بود، زندگی برای مبارزه، مبارزه بـرا ی زندگی .

جوانان محصل برتصمیم شبانگاه چون صخره استوار بودند، بنا بران چـون موج خروشانی با پرچمهای رنگین بحرکت درآمدند وغریوشعار های «جاویدباد جشن اول ماهمی!»، «پیروز باد طبقهٔ جوان کـار گر!» «مرگ برفیودا لیزم!»، «سرنگون‌باد امپریالیزم!»، «نابودباد‌دستمـر مایه وبیداد ارتجاع!» ودمانـان، لبـاس، صحت وخانه مبخواهیم!» در فضای کا بل بپیچید .

موج پیشتازی از مظاهره چیا ن باشور وحلهبه جوانان ازپولی‌تخنیك وبوهنتون بسوی شهربحرکت افتاد.

ولی این جر یان پرشور که امواج آنرا نه‌قطرات بیجان، بلکه انسانهای رزمنده وباشعوری تشکیل میداد، عنان داشت واراده. باید میر فت.

آری میرفت آنجاکه دعوت شده‌بود، آنجاکه واقعی‌ترین وپیشاهنگ‌ترین نیروی تکامل جنبش یعنی کارگران جوان وجود داشتند. آرآنرو جادهٔ بزرك شیرشاه مینه راباشور و خروش وصف ناپذیری پشت سر گذاشت وبسوی نزدیکترین کـانون کارگران اعنی فابریکه حجاری و نجاری سرا زیر شد آنجـا کـه انحصارات امپریالیستی آلمان غرب دراستثمار کارگـران افغانی بیداد می کنند . ایـن فـا بر یکـه سالها یکی از موسسات صنعتی داخلی بشمار میرفت واکنون‌محافل حاکمهٔ ارتجاعی آنرا بامپریالیستان آلمان غرب سودا کرده‌اند وآنجه از احجار گرانبهای کشور می یابند

(ص۴)

پرچم

د افغانستان دملنگ د مبارزې ایډیالوژیک انقلابي تیوریټیکي ارګان

په پښتونستان کې د ضد استعماري مبارزو نوې څپې

پښتنو به سیمو یا ند ی دانګریزانو یا کستان دامستعمار د نژدی دوو سوو کلو نو تسلط به حقیقت کې دا ستعماری و حشت او بر بریت دژوند در دوو نکی ظلم اوجبر، قتل عام او استثمار یو اوږد ت ه عمجن داستان دی چه هره پاڼه یې دا نسان اوانسانیت به وینو لیکلـه شویده. استعماری دو تونه دخپلو استعماری مقصدو نو دسر ته زیو او لو به خاطر دمیچ پول غیر انسا نی سلوک ن ه میخته ده دی اوله اوتر نی حا طری به ډیر دقیق دیارلسو پښتنو دملـی آزا دی دتاریخ به ډ وکه شنو دی. د پښتنو به میچ پول ونه شوکولی چه دخپل فشار ترمنکو لاندی د پښتنو ملی مقا و مت مات کړی اوډمغوی دملی خپلوا ک د نړیدلت مخه ونیسی .

پښتانه داستعمار ی مر ستیو دزنځیرو تو دما تو لو، دخپلی خاوری دتما میت ا و د حیل ملی حا کمیت دګټلو دپاره یو لو استعماری بر غل ګر و اوغا صبینو به مقابل کی یه ډیره شهړما نې ډیره سترګه لی او او جنګیږی چه د زړور تیا او میړا نې یادګا رونه ثی د هیواد و به هر ګوټ کی و لاړدی اود خپلی خا ورې هرمومنی پی دډښمن په وینو لمړ لی دی او به خپله یې هم پی شماره قربانیو ر کړی دی .

خو به ډیر خوا شیني سره وینو چه دنا مـا عدو داخلی او خار جـی شړا بطو اود استعمار دمسا یبو له کیله دډوی دمبارزې او قربانیو رکولو سلسلـه لاتراوسه جاری ده اوترهغه پورې یه جاری وی چه له خپلی خاوری خخه دخا ر جی استعمار چیانو پښـه لښـه ثی کړی او خپلو ټولی سیمې سره یو کړی اود تل دپاره له خپل هیواد خخه داستبداد او ستم ، استثمار او بی عدا لتی ریښـی او یا سی .

دقصه خوانی او چار سدی قتـل عامونه دا نګریزی ا ستعمار کـړو اویاکښتانی چاپګرا دارانو داستعماری تسلط به مقابل کی د پښتنو د ملی آزادی دانقلا بی مبارزو او قربانیو دوه نه هیر یدونکی مثا لو نـه دی. د ۱۹۳۰ کال دابریل به۲۳ دانګریزانو استعماری لښکرو یه پښتنو مجاهدینو باندی دقصه خوانی په یا زار کی دګولیو دا سی یاران و او را ډه چه په خو د قیقو کی ئی د پښتـو زیـار دمبار زا نو په وینو رنګ کـړ. او خه نه خه یو و لس سوه تنه ئی شهیدان او ټپیان کړل په زړ کو کسان ئی دآزادی، غو ښتلو په ګناه یه زندانو تو کی واچول .

دهمدی انقلا بی ورځی یه خاطرو چه دټور به ۳ د پښتو ستان د آ زا دی باغ کی د پښتو نستان د آ زا دی غو ښتونکو زلمیانو له خوا دارباب سکندرخان په مشری. یوه بی ساری جلسـه جوړه شوې وه چه په هغی کی خان عبدالو لی خان ، اجمل خټک او نورو مشرا نو او یه زړ ګو نو تنـو خلکو ګډون کړی و. جلسه وروسته دمظا هری په شکل دشپیدا نو دمزار خوا ته روا نه شوه اود ا فغـانـی قو تسلګری ـ له مخی ته د ټیریدو یه وخت کی یې دا فغانستان جنډې اد توډې چکچکی و کړلې. خبریال وائی چه خلکو دارباب سکنـدرخان، و لی خان، او اجمل خټک به غـا پو کی دګلو نو امیلو نه وا چول اود لاسی بمو نو یه خلاصـو لوسره یې پیړی ډزی اوکړلې. یـه دی جلسه کـی خان عبدالو لی خان یو اوږد تقریر و کړ او په هغه کی ئی دبا کستان دوا کمنو له خوا له پښتونسره دیولږ هغوظلمونو یادونه وکړله چه په اقتصادی، ثقافتی اوسیاسی ډګر کی شوی دی، وروسته ترهغه ښاغلی اجمل خټک او نورو مشرا نو او شا عرا نو خپل تقریرونه او شعرونه واو رول. جلسه بدا سی حال کی چه دیو لیسنو له کنترول نه هم وتلی وه د پښتو نستا نو زنده باد فخر افغان ،زنده باد په نعرو پای ته ورسیده .

برخیزوطن !

بیدار شو ! بیدار شو! ای ملت بلاکشیده، تو میوا نسنی در نخستین
صف باشی
اما از بدبختی وګا هلی
وایس ماندی وزبون شدی

بیدار شو وطن! اګر بر نخیزی
دیګر هر ګز بر نخوا هی خاست
واګر هم بیدار شوی تنها آنقدرفرصت خواهی یافت که تا مت را بر
سنګ گورت بکنی .

بیاوطن ! بر خیز وجبران کن
دریاك ساعت بزرګ خطا های یاك قرن را .

«بینو می قهر مان وشا عر ملی مجاز»

روزاول‌می در گلبهار

خبر نګار برچم از گلبهار اطلاع‌میدهد که به مناسبت روز اول می جمع کثیری از کار ګران پښتـو و فارسی‌تبریک تسا هی گلبهار را ، شتراك عده‌ئی از دهقـانـان ، معلمـان و روشن فکران تر قی خواه ولسوالـی کوهستان آن را بیا هت چـار الی شـش بعد از ظهر یازده ثور ۱۳۵۷ در باغ عمومی گلبهار اجتماع نمود ند.جشن با ر افتخار کار ګران را باشـور و شوق خاصی تجلیل کردند.

دراین اجتماع عده‌ئی از کارګران دلیر وروشنفکران متر قی و معلمان وطن پرست در باره وضع زند ګانی رقبار ګران و دهقانان افغانستان و استثمار بی رحمانـه آنها تـو سط سطا ګار ان فر مایان و ملاکین خطابـه های آموزنده و مستدلی ایراد کردند که از طرف حاضرین بالګرمی وحرار ت بدرقه شد . در پایان این اجتماع فیصلـه بعمل آمد که بعد ازین هـر سال روز اول‌می به حیث روز کار ګر در گلبهار تجلیل کردد .

اخراج کارګران سمپین زر شرکت

بانزده نفر از فـارغان صنف نهم‌سونخی صنایع کابل که درشعبهات فنی سمپین زر شرکت ازیفای و طیفه‌می نمودند، به اداره بر چم مراجعهو زدنها وحرونش غیرقابل وصفی پیل آرتـین راعبـور وبـه مطبعه معارف (فرانکلن ـ و سیله نفوذ ا ستعمار فرهنګی) رسیده، در آنجا توقف کردند. و لـی کا ر فر ما یا ن آن با وجود یا دداشتی میبی بر اینکه بدون‌بوجـداز طرف کار فر مایان آن شرکت آن کار اخراج شده اند، تسلیم ند ادند.در یاد داشت اضـافـه میشـود که مو ضوع‌را به وزارت معارف نیز (که‌ایشانرا جل پدر اغ تحصیل به سمپین زرشر کت معر فی کرده بود) عرض‌کرده‌اند،ولی‌تاکنون‌به‌نتیجه‌ئی نرسیده‌اند .

برچم: اینهم کروه دیګری‌ازبیکاران علاوه‌میشود، بدون‌اینکه حکومت‌درین زمینه کوچکترین مسؤولیتی احساس می شد .

تظاهرات روز...

(بقیه ص۳)

یاناخون کارګران جوان افغـا ن صیقل می زنند وبغارت می برند .

ندا ئی بعد صداهای کارګر مظاهره چیان عمارت‌فابریکه حجاری و نجاری رادر جادۀ دارالامان تکان‌داد. کارګران جوان که‌به انتظار چنین لحظاتـی بابی‌صبری دقیقه شماری می کردند، از شور وشوق جوانان مبارزباشعار های برحرارت‌والهام‌بخشی استقبال کر د ند .

دیګرمظاهره یه‌واقعی ترین‌نیرو ـ های‌مبارزه پیوسته‌بود، دیګرجوانان محصل وروشنفکران مترقی عملا به دعوت کارګـران جواب مثبت داد ه بودند، گرمی مظاهره دوبالا شد و فریادهای «بیروز باد نهضت جوان کارګری کشور» پشت استثمارکران خارجی وهوا داران داخلی شان رابه لرزه‌درآورد. میتنګ بر جـلا لی برپا گردید، کار ګران فریادمیکشیدند و شعار میدادند .

یکی از کار فرمایان آلمانی کـه لحظه ای قبـل کـا ر گـر ی را بجرم یك درخواست قانونی‌اش زیر مشت ولګد کرفته بود، افشا کردید واو درانر احتجاج مظاهـره چیان وبرای نجات خود از دفاع جاهلانۀ کارګران، مجبورګردید باعجزوالحاح معذرت بخوا هد .

موضوع بهمین‌جاخاتمه نمی‌یافت، این‌هنـوز آغاز کـاربود ومظـاهره عـمجنان به پیش می رفت .

ساعتی بعد صحن فابریکه‌جنګلك مرکز اجتماع بزرګی بود، مظاهره ـ چیان باشتراك کارګران جوان‌تا نجا رسیده بودند، کار ګران فابریکه و جوانان بیشرو وطنپر ست، مترقی ودموکـراتیك خلـق افغانستان در اطراف وضع زندګی طبقۀ کا ر ګر، شرایط بدکار، مزد ناچیز، کا رهای اضافی واجباری واستثمار بیرحمانه کارګران خطابه های مستدل واشعار برحرارتی ایراد کردند که با شعار های گرم وتائیدات مردم استقبا ل گر د ید .

مظـا هـره باشتراك کار ګرا ن خانه میخواهیم» به گرمی اسـتقبال

فابریکه های جنګلك وحجاری ونجاری راه شهر رادر پیش گرفت وباکف زدنها وشعار های غیرقابل وصفی پیل آرتـین راعبـور وبـه مطبعه معارف (فرانکلن ـ و سیله نفوذ ا ستعمار فرهنګی) رسیده، در آنجا توقف کردند. و لـی کا ر فر ما یا ن آن با وجود یا فشاری وشور کارګران مطبعه که آرزوی اشتراك‌درتـظـاهـرات ازچهره‌های گرم آنان پیدا بود، با صداقت خاصی از خروج کارګرا ن جلو گیری میکردند، و علی ا لرغم مقاومت آنها کار ګران مطبعه‌وهمچنان لحظه‌ئی بعد شا کردان نبوونخی میخانیکی (کارګران ماهر آینده) با سایر رفقای کارګر خود در ا مـر ادامۀ مظاهره اشتراك کردند .

مظاهـره در شهر داخل شـد و هـزاران نـفر از شهریان کا بل به شمول پیشه وران، دکاندا ران، کارګران ورکشا پهای خصو صی و سایر حوزه های کارګری ها نند شرکت سرویس، خانه سازی، مطابع مرکـز، مـامورین وروشنفکران د ر میتنګهای مختلف آن که بالترتیب در پل باغ عمومی، سیاهی گمنام، سینمای پامیر، تیمورشاهی پارك و پارك زرنګار صورت ګرفت شرکت کردند.

درین‌میتنګها نمایندګان حوزه های مختلف کـا ر ګری شـهـر، جـوانان ومحصلان ونمایندۀ دموکراتیك‌زنان سخنرانیها و اشعار پـر شـو ر و آموزنده‌ئی در اهمیت روز اول‌می، وضع زندګی، شرایط ناګوار کا ر، حیات مصیبت بار، واستثما ر و ستمګری طبقات حاکمه ومحا فل سیاسی آن ایراد کردند که‌باشعار های: «فرخنده بادجشن اول‌ماه می»، «بیروز باد نهضت جوان کارګری در کشور »، «نابود باد فیو دالیزم دشمن‌عمده‌طبقاتی خلق»، «سرنګون باد امپریا لیزم»، «پیروز باد مبارزه خلق ویتنام»، «نابودباد ستم سرمایه وارتجاع» و«مانان، لیاس، صحت و

تظاهرات روز...

(بقیه ص۳)

یاناخون کارګران جوان افغـا ن صیقل می زنند وبغارت می برند .

ندا ئی بعد صداهای کارګر مظاهره چیان عمارت‌فابریکه حجاری و نجاری رادر جادۀ دارالامان تکان‌داد. کارګران جوان که‌به انتظار چنین لحظاتـی بابی‌صبری دقیقه شماری می کردند، از شور وشوق جوانان مبارزباشعار های برحرارت‌والهام‌بخشی استقبال کر د ند .

دیګرمظاهره یه‌واقعی ترین‌نیرو ـ های‌مبارزه پیوسته‌بود، دیګرجوانان محصل وروشنفکران مترقی عملا به دعوت کارګـران جواب مثبت داد ه بودند، گرمی مظاهره دوبالا شد و فریادهای «بیروز باد نهضت جوان کارګری کشور» پشت استثمارکران خارجی وهوا داران داخلی شان رابه لرزه‌درآورد. میتنګ بر جـلا لی برپا گردید، کار ګران فریادمیکشیدند و شعار میدادند .

یکی از کار فرمایان آلمانی کـه لحظه ای قبـل کـا ر گـر ی را بجرم یك درخواست قانونی‌اش زیر مشت ولګد کرفته بود، افشا کردید واو درانر احتجاج مظاهـره چیان وبرای نجات خود از دفاع جاهلانۀ کارګران، مجبورګردید باعجزوالحاح معذرت بخوا هد .

موضوع بهمین‌جاخاتمه نمی‌یافت، این‌هنـوز آغاز کـاربود ومظـاهره عـمجنان به پیش می رفت .

ساعتی بعد صحن فابریکه‌جنګلك مرکز اجتماع بزرګی بود، مظاهره ـ چیان باشتراك کارګران جوان‌تا نجا رسیده بودند، کار ګران فابریکه و جوانان بیشرو وطنپر ست، مترقی ودموکـراتیك خلـق افغانستان در اطراف وضع زندګی طبقۀ کا ر ګر، شرایط بدکار، مزد ناچیز، کا رهای اضافی واجباری واستثمار بیرحمانه کارګران خطابه های مستدل واشعار برحرارتی ایراد کردند که با شعار های گرم وتائیدات مردم استقبا ل گر د ید .

مظـا هـره باشتراك کار ګرا ن خانه میخواهیم» به گرمی اسـتقبال

دکندهار په ټبارکی

دد کاندا رانو ا عضاب

دیر چم حیربال دکنـد هار دښار څخه‌جنوب ورکوی چه دلور دمیاشتـی په لو مړیو ورځو کی دکند هار دښار دهرات به بازار کی دحاجی نظرجان دسپرلی دخاوند اند یښـی اویه کرایه کی دا صافه ستانیی لـه کیلـه‌متر سوو دکاندارانو خیل دکانو نه‌ټول او به اعتصاب پی لاس یوری کړل .

حیر یال وایی چه دتو موږی‌سرای خاوند سر ښیره پردی چه به بیوزلو دکاندارانـو نابـدی سـتـم کو ی،د ابارتمانو، سرایو او کورونو د نورو مالکانو به خبر دډولت دمالیې‌اداکولو به هم ځاپه نه ږدی .

برچم په کله غـوښتنه کوی چـه دبیوړو لـه کمیـټـو او د کاندا رانو دحمایې او مصونیت دنا مین لیږلـه دی ترڅو به شرایطو ناڅاپی دکړایې قوانینو صحه‌شی او به کلکه‌ډول‌تطبیق‌شی حو بابد کمیټ‌اودکاندارانو وبرخیری چه تر خوخپلی صنفی اتحادیې میښځه رابله ولی او سره متحـد نشی د بالاکتانو طالبانه بهره کشی نه هـمدا رازدوام لری .

از (صفحه اول)

طبقات و مبارزه...

سا ختمان طبقاتی جامعه :

درهر جـامعه طبقاتـی ، طبقات مطابق به مقامیکه در جامعه دارنـد به طبقات اساسی «اصلی» وغیـر اساسی «فرعی» تقسیم میشوند .

طبقات اسا سـی عبـارت از آن طبقاتی استند که‌بدون آنها شیـوه تولید مسلط در جامعه موجود بـوده نمیتواند و مستقیما درسیر جـامعه باشیوه‌تولید دارتباط‌ند. درجامعه‌ایکه در آن طبقات متخا صم و جود دارد این طبقات‌عبارتنه‌ازصاحبان وسایل تولید وطبقه اسیر یعنی طبقه فاقد وسایل تولید .

درجامعه بردګی بر دګان وصاحبان برده ، در جامعه فئودالی دهقانـان وفئو دالها ، در جامعه بـورژ وازی ډګر کران وسر مایه داران، طبقات اساسی جامعه طبقاتی اندکه یکی از آنها (صا حبان برده ، فیو دالهـا، سرمایه داران) دارای وسا یل تولید صاحب قدرت‌سیاسی واستثمارګرانه ودیګر آن‌توده‌های اساسی(بردګا ن دهقا نـان ، کـار ګـران) استثمار شوند ګان ومحروم ازهمه چیزند . روابط میان این طبقات بنابر منافع متضاد همیشه آشتی ناپذیر باقـی میمانند . بطور ساده بنفع سرمایـه دار است که کارګر را مجبور میکند تاجای ممکن بیشتر و بیشتر تولیـد کند وکمتر وکمتر بوی مزد دهـد . واضح است‌که عکس آن بنفع کارګر است .

اوږده لار

په ټوله سیمه کی باران اوری
آسمان ناری وهی، وریځ زاړی
زموږ دمعیـه یـوه خپه ښانـدی
یوی کـاله لیږدی،او زړه لار نغاړی

خو زړی خولی به باران لنډی
په خړی پرتی اوبه تری‌دای وهی
شنیـته کلن بوډا ته ښـکـی سره
بسی روان دی سختی لاری وهی

دښکی غیر کی یو ماشوم ویده‌دی
کله چه ناڅاپه شی وریږ دی
مو ریې را پینـګ کړی چه دوړاپی
سریې خپل زړه ته برابر کیږدی

پرچم په کله غـوښتنه کوی چـه دبیوړو لـه کمیـټـو او د کاندا رانو دحمایې او مصونیت دنا مین لیږلـه دی ترڅو به شرایطو ناڅاپی دکړایې قوانینو صحه‌شی او به کلکه‌ډول‌تطبیق‌شی حو بابد کمیټ‌اودکاندارانو وبرخیری چه تر خوخپلی صنفی اتحادیې میښځه رابله ولی او سره متحـد نشی د بالاکتانو طالبانه بهره کشی نه هـمدا رازدوام لری .

دیوډا یوزی‌نه وایه خاخی
باد چه یـاوړی شی خګیږی‌کوی
کله چه‌وږیږی نو ،شکر،وایی
بیاچه رابهږته شی سختی وهی

ای پردیسانو . دوطن ز منو !
سناسی‌مرستون‌اوسناسی‌کودچیری؟
چیری خاړ یوزی، چیری لویی‌کوی‌ځ،
سناسی‌مرستون‌اوسناسی‌کودچیری؟

آیا دردرسی دنیی سندری:
چه دردست بشر یو کلی کودبولی؛
خوتا پخیل‌پراخ‌هیواد کی ولی
نه‌خوك شریك‌اونه خپل وروربولی ؟

باران نه ګوری، چه قطره قطره‌دی
چه سره‌یوشی‌نو سیلاب جوړ کړی
بیاچه یه یوه لاره ګی‌سر کیږدی
کانی بری‌باسی‌اوګرداب جوړ کړی

په ټوله سیمه کی باران اوری
آسمان ناری وهی وریځ زاړی
زموږ دمعیـه یه یوه خړه ښانـدی
یوی‌کاله لیږ دی اوږده لارنغاړی

سلیمان «لایق»

هره دوشنبه خبریزی

دتأسیس کال : ۱۳۴۶ (کب) . اشتراك
دامتیاز خاوند او مسؤول مدیر : به مرکزی دکال ۱۰۰ ـ افغانی.
سلیمان (لایق) په‌ولایاتو او پښتو نستان کی‌دکال ۱۱۰ـ افغانی.
آدرس : غوثی مارکیټ له هیوادنه دباندی‌دکال۱۰ـ دالره
محمد جانخان واټ یوه ګټه ۲ـ افغانی.
کابل، افغانستان
د جریدی دجاری حساب نمبر : ۳۸۵۳ ـ پښتنی تجارتی بانك

سمبا : جریده‌یی که‌قبلا بنام (فردا)اعلان شده بود عنقریب نشر می‌شود .

دولتی مطبعه